

رابطه سبک‌های فرزندپروری و گرایش به مصرف مواد مخدر: نقش میانجی تکانشگری*

علی قدرتی^۱، محمد محمدی پور^۲، عبدالله مفاخری^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۹

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و گرایش به مصرف مواد مخدر با در نظر گرفتن نقش میانجی تکانشگری بود. **روش:** روش پژوهش توصیفی-همبستگی از نوع معادلات ساختاری بود. جامعه‌ی آماری پژوهش را دانشجویان دانشگاه حکیم سبزواری در سال ۱۳۹۷-۱۳۹۸ تشکیل دادند (۷۲۴۸ نفر). برای انتخاب نمونه، از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شد و تعداد ۳۷۶ نفر (۲۱۶ دختر و ۱۶۰ پسر) انتخاب شد. ابزار پژوهش شامل پرسش‌نامه تکانشگری، مقیاس استعداد اعتیاد و مقیاس شیوه‌های فرزندپروری بود. برای تحلیل داده‌ها از روش معادلات ساختاری استفاده شد. **یافته‌ها:** شاخص‌های برازش مدل پژوهش در وضعیت مطلوب قرار داشتند. سبک‌های فرزندپروری اثر مستقیم معناداری بر گرایش به مصرف مواد مخدر در دانشجویان داشتند. همچنین، تکانشگری در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و گرایش به مصرف مواد مخدر دارای نقش میانجی معناداری بود. **نتیجه‌گیری:** یافته‌های پژوهش حاکی از برازش مناسب مدل مفهومی پژوهش بود. پیشنهاد می‌شود تکانشگری و سبک‌های فرزندپروری به عنوان محور عمده‌ای در تشخیص انواع اختلالات بالینی مانند گرایش به مواد در نظر گرفته شود.

کلیدواژه‌ها: گرایش به مواد مخدر، سبک فرزندپروری، تکانشگری

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد است.

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، گروه روان‌شناسی، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران

۲. نویسنده مسئول: استادیار، گروه روان‌شناسی، واحد قوچان، دانشگاه آزاد اسلامی، قوچان، ایران. پست الکترونیک:

Mmohammadipour46@gmail.com

۳. استادیار، گروه روان‌شناسی، واحد بجنورد، دانشگاه پیام نور، بجنورد، ایران

مقدمه

امروزه اختلالات مصرف مواد و پیامدهای ناگوار و ناخوشایند آن از اساسی‌ترین مشکلات سلامت عمومی در سراسر جهان به شمار می‌رود (حاجی‌علیزاده، بحرینیان، نظیری و مدرس غروی، ۱۳۸۸). این مشکلات، تهدید جدی برای جامعه و به ویژه نسل جوان است (غدیری صورمان‌آبادی، عبدالمحمدی و یوسف‌زاده، ۱۳۹۶). سرعت انتشار مصرف مواد مخدر در جوانان بالاتر از هر گروه سنی است، که سابقه‌ای چند هزار ساله دارد. به دلیل عواقب سوء و منفی بلندمدت مصرف مواد مخدر در اقشار مختلف جامعه خصوصاً جوانان، این موضوع به طور خاص مورد توجه روان‌شناسان بالینی و روان‌پزشکان قرار گرفته است. روند صعودی گرایش به سمت مصرف مواد مخدر در نسل جوان، سلامت روانی این قشر را با خطر جدی مواجه ساخته است. گزارش‌ها نشان می‌دهند که دانشجویان دانشگاه‌ها نیز به عنوان بخشی از نیروی جوان جامعه از آسیب‌های مختلف روانی-اجتماعی در امان نیستند و گاهی در معرض خطر استفاده از مواد مخدر قرار دارند (بهداری خسروشاهی و خانجانی، ۱۳۹۲).

گرایش به مصرف مواد مخدر یکی از مهم‌ترین اختلالات اجتماعی روانی است که فرد را از لحاظ جسمانی و روانی دچار اختلال می‌کند (شیخ‌نژاد و سیدفاطمی، ۲۰۱۹؛ صدقی، حیدردوست و هشترودی، ۲۰۱۹). گرایش به سمت مصرف مواد مخدر، به عنوان الگوی مصرفی نابجایی است که پیامدهای متعدد و نامطلوبی را از جمله گرایش به مصرف در موقعیت‌های نامناسب و مشکلات متعدد اجتماعی، شغلی و قانونی را به همراه دارد. مصرف مواد مخدر حال و هوای روحی افراد را تغییر داده و فرد احساس متفاوتی را تجربه می‌کند، حتی اگر این احساس دائمی نباشد (کاستپه^۱ و همکاران، ۲۰۱۹). تلاش برای درک، پیشگیری و درمان گرایش به مواد مخدر و بیماری‌های روانی با این سوال شروع می‌شود که چرا افراد مواد مصرف می‌کنند؟ متغیرهای روان‌شناختی زیادی وجود دارند که رفتار گرایش به مواد مخدر را تحت تاثیر قرار می‌دهند (زاهد، ۱۳۸۸). اگر بخواهیم از نابودی گران‌مایه و باارزش‌ترین سرمایه‌ی جوامع انسانی، یعنی جوانان جلوگیری کنیم و

آنان را از چنگال عوارض گرایش به مواد مخدر (از جمله آسیب اجتماعی، تهدید سلامت جسم و روان در جنبه‌های اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی و ...) نجات دهیم (پورکرد، ابوالقاسمی، نریمانی و رضایی جمالویی، ۱۳۹۲)، باید عوامل موثر بر گرایش به مواد مخدر شناخته شوند و برنامه‌ریزی دقیقی انجام شود. بدین جهت، علی‌رغم تحقیقات گسترده‌ای که در این زمینه انجام شده است، هنوز نیاز به پژوهش‌های دیگر احساس می‌شود. با مروری بر پیشینه‌ی پژوهش مشهود است که گرایش به مواد مخدر نتیجه‌ی یک عامل نیست بلکه عوامل و متغیرهای بسیاری در آن دخالت دارند. سبک فرزندپروری و تکانشگری از جمله عوامل اساسی در این زمینه به شمار می‌روند.

در ارتباط با سبک‌های فرزندپروری و گرایش به مواد مخدر می‌توان گفت که روابط خانوادگی و الگوهای رفتاری نقش مهمی در گرایش جوانان به سوی مواد مخدر دارند (هواسی، ۱۳۸۰؛ اسلامی‌مهر، ۱۳۹۴؛ قانعی حقیقت، ۱۳۹۸؛ کوی، آلن، فینچام، می و لوو، ۲۰۱۹؛ پولارد و مک‌کینی^۲، ۲۰۱۹؛ بنچایا^۳ و همکاران، ۲۰۱۹؛ کوپنس و سیولیمانز^۴، ۲۰۱۹؛ فرمانی و کورش‌نیا، ۱۳۹۷). شیوه‌های فرزندپروری والدین قادر به پیش‌بینی استعداد و اعتیاد نوجوانان هستند (محمدی، ۱۳۹۵؛ وجودی، عبدالپور، بخشی‌پور رودسری و عطارد، ۱۳۹۳). مفهوم سبک فرزندپروری بیش از ۵۰ سال است که در حوزه روان‌شناسی رشد به عنوان ابزار کنترلی والدین بر فرزندانشان به رسمیت شناخته شده است (کاب-کلارک، سالامانکا و زو^۵، ۲۰۱۹). سبک فرزندپروری به مجموعه‌ای از نگرش‌ها، رفتارها و ابزارهایی اشاره دارد که والدین به طور مداوم در همه زمینه‌ها برای مدیریت رفتار فرزندان خود از آن‌ها استفاده می‌کنند (ساهیسیا، مانوهاری و ویجایا^۶، ۲۰۱۹؛ بامریند^۷، ۱۹۹۱). شیوه‌های فرزندپروری را می‌توان به عنوان رفتارهای ویژه‌ای که والدین برای اجتماعی کردن و نحوه معاشرت فرزندان خود از آن‌ها استفاده می‌کنند، تعریف کرد (کوپنس و سیولیمانز، ۲۰۱۹). سبک‌های فرزندپروری را می‌توان به عنوان مجموعه‌ای از

1. Cui, Allen, Fincham, May & Love
2. Pollard & McKinney
3. Benchaya
4. Kuppens & Ceulemans

5. Cobb-Clark, Salamanca & Zhu
6. Sahithya, Manohari & Vijaya
7. Baumrind

ساختارهای روان‌شناختی درک کرد که بیانگر راهکارهای استاندارد است که والدین در روند تربیت کودک از آن‌ها استفاده می‌کنند و عموماً ابعادی مانند طرد شدن، گرمای عاطفی و محافظت بیش از حد را شامل می‌شوند (رن^۱ و همکاران، ۲۰۲۱). تحقیقات زیادی نشان داده‌اند که داشتن سابقه تجارب خانوادگی مثبت از اختلال مصرف مواد پیشگیری می‌کند (هانی^۲ و همکاران، ۲۰۲۰). از بین شیوه‌های فرزندپروری، سبک فرزندپروری مقتدرانه (انتظارات معقول با ایجاد محدودیت‌های منطقی و ابراز محبت و مشارکت فرزند در تصمیم‌گیری‌ها) به طور معکوس قادر به پیش‌بینی تغییرات آمادگی به مصرف مواد است (سهیلی، دهشیری و موسوی، ۱۳۹۴). محققان پیشین به این نتیجه رسیده‌اند که روابط والدین با جوانان که مبتنی بر مهربانی، مشاوره، حمایت و احترام متقابل بین آن‌ها همراه با اقتدار و کنترل متعادل است، عاملی بسیار قدرتمند جهت حفاظت فرزندان از انحرافات جامعه از جمله گرایش به سمت مواد مخدر بوده است. از طرف دیگر، روابط مبتنی بر کنترل و محدودیت شدید و عدم رابطه نیکو یا روابط مبتنی بر سهل‌گیری و آزادگذاری بیش از حد، زمینه گرایش به مواد مخدر را افزایش می‌دهند (رضایی و اسمعیلی، ۱۳۹۵). به عبارت دیگر، سبک‌های فرزندپروری مستبدانه (انتظارات غیر واقعی و طاقت‌فرسا، استفاده از تنبیه و زور و توجه کم به نیازهای عاطفی) و سهل‌گیرانه (بدون انتظار از فرزند و ضعف در کنترل خواسته‌های وی) به طور مستقیم قادر به پیش‌بینی تغییرات آمادگی به مصرف مواد هستند (سهیلی و همکاران، ۱۳۹۴). این نتایج نشانگر اهمیت الگوهایی است که والدین جهت تربیت فرزندان خود اتخاذ می‌کنند. تحقیقات نشان داده است که اگر پیشگیری از طریق خانواده باعث به تعویق افتادن اولین مصرف سیگار یا هر ماده دیگری باشد، یا به عبارت دیگر خانواده‌ها فرزندان‌شان را بدون تجربه مواد به ۱۸ سالگی برسانند، شانس ایجاد مشکلات جدی گرایش به مواد مخدر در سال‌های بعدی زندگی کاهش می‌یابد (ممتازی، ۱۳۹۴).

در ارتباط با تکانشگری و گرایش به مواد مخدر می‌توان گفت که بین تکانشگری و گرایش به مواد مخدر رابطه مثبت معناداری وجود دارد، به این صورت که هر چه صفت

تکانشگری در فرد بیشتر باشد، میزان گرایش به مواد مخدر بیشتر خواهد بود (قمری گیوی و مجرد، ۱۳۹۵؛ دوستیان، بهمنی، اعظمی و گودینی، ۱۳۹۲؛ حسینیان سراج‌لو، ۱۳۸۹؛ زارع منگابادی، خسروی، جعفری ندوشن و ثیابی، ۱۳۹۴؛ عظیمی و سلیمانی، ۱۳۹۹؛ فراهانی، امین اسماعیلی و باحشمت جویباری، ۱۳۹۸؛ کاستپه و همکاران، ۲۰۱۹؛ رضوانی فرد، ۱۳۸۹؛ اعظمی، سهرابی، برجلی و چوپان، ۱۳۹۳). تعریف تکانشگری به طور قابل توجهی متنوع است و مفاهیم متنوعی از جمله بی‌توجهی به عواقب عمل، بی‌صبوری یا ناتوانی در حذف رفتارهای نامناسب و تکانشگری شناختی را شامل می‌شود (مالسا و کاجمارک^۱، ۲۰۱۸). تکانشگری مجموعه‌ای از صفات ناهمگن یا الگوهای رفتاری از جمله عدم توانایی در نظر گرفتن پیامدهای آینده رفتار فعلی را توصیف می‌کند (کوزنتزا، سیکارللی و نگرو^۲، ۲۰۱۹). تکانشگری صفتی است که فرد دارای آن اهل ریسک کردن و عمل کردن بدون تأمل کافی است (کلی^۳ و همکاران، ۲۰۱۸). وجود تکانشگری در فرد او را به سمت واکنش‌های بدون برنامه و فوری به عوامل محرک درونی یا بیرونی، بدون حساسیت به نتایج منفی این واکنش‌ها به خود یا دیگران می‌کشاند (مولر، بارات، دوغرتی، اشمیتز و سوان^۴، ۲۰۰۱). تکانشگری مجموعه‌ی وسیعی از رفتارهایی را شامل می‌شود که روی آن‌ها اصولاً تفکری انجام نشده و برای نیل به یک پاداش یا لذت زودگذر بروز می‌کنند و خطرات و پیامدهای قابل توجهی را به دنبال دارند (محمودی، ۱۳۹۵). تکانشگری زمانی ظهور پیدا می‌کند که تنظیم بهنجار رفتار به طور مناسب انجام نشود (دره‌کردی، ۱۳۸۸). تکانشگری به عنوان یک عامل مهم در نتایج مختلف مصرف مواد در نظر گرفته می‌شود (ورجز، لیتفیلد، آریازا و آلوارادو^۵، ۲۰۱۹) و می‌تواند عامل مهمی در گرایش به مواد مخدر باشد (حسینیان سراج‌لو، ۱۳۸۹). تحقیقات زیادی نشان داده‌اند که تکانشگری عامل خطری برای گرایش به سمت مصرف مواد مخدر می‌باشد

1. Malesza & Kaczmarek
2. Cosenza, Ciccarelli & Nigro
3. Clay

4. Moeller, Barratt, Dougherty,
Schmitz & Swann
5. Vergés, Littlefield, Arriaza &
Alvarado

(هانی و همکاران، ۲۰۲۰). با توجه به اهمیت تکانشگری، این سازه به عنوان متغیر میانجی به مدل پژوهش اضافه شد.

در ارتباط با سبک‌های فرزندپروری و تکانشگری می‌توان گفت یکی از مکانیسم‌های احتمالی که ممکن است بر تکانشگری فرزندان تاثیر بگذارد، شیوه نظارت والدین است (پاتوک-پکهام، کینگ، مورگان-لوپز، اولو و فیلسون موسز، ۲۰۱۱). از نگاه متخصصان و روان‌شناسان عاملی که می‌تواند منجر به مشکلات و نابهنجاری‌های فرزندان مثل تکانشی بودن شود، همان روابط خانوادگی و روش فرزندپروری والدین است. همچنین، تاکید ویژه‌ای بر تاثیر وقایع و رویدادهای دوران کودکی در شکل‌گیری شخصیت افراد و زندگی آن‌ها دارند (محمودی، ۱۳۹۵). در این میان، سبک فرزندپروری مستبدانه ممکن است منجر به سطوح مختلف تکانشگری در فرزندان شود. پرخاشگری آشکار و تکانشگری بالا از پیامدهای منفی سبک فرزندپروری مستبدانه است (جیمز-باربرو، روئیز-هرناندز، لوراستبان و واشگلر، ۲۰۱۶). بنابراین، علاوه بر بررسی اثر سبک فرزندپروری بر گرایش به مواد مخدر، بررسی متغیر میانجی تکانشگری با توجه به روشن شدن اهمیت آن ضروری است.

با توجه به آنچه گفته شد، مطالعه گرایش به مصرف مواد مخدر به صورت روابط متقابل مثل مطالعات فوق، صرفاً زمینه‌ساز مطالعات گسترده می‌باشند. در نتیجه، ضروری است که مطالعات متغیرهای فوق به صورت یکپارچه صورت پذیرد. این موضوع، ضرورت مطالعات مدل‌یابی را بیشتر مشخص می‌کند. اهمیت مطالعه حاضر بدین جهت است که سعی شد گامی در جهت شناسایی این عوامل برداشته شود تا با استفاده از آن مدلی مناسب برای پیش‌بینی گرایش به مواد مخدر در بین دانشجویان ارائه گردد. هدف از اجرای این تحقیق بررسی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و گرایش به مواد مخدر با در نظر گرفتن نقش میانجی تکانشگری بود و سوال کلی پژوهش حاضر این بود که آیا

تکانشگری نقش میانجی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و گرایش به مواد مخدر ایفا می‌کند؟

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی از نوع روش‌های مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری تحقیق شامل تمامی دانشجویان زن و مرد دانشگاه حکیم سبزواری در نیمسال اول ۱۳۹۸-۱۳۹۷ در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا مشغول به تحصیل بود. بر اساس آمار اخذ شده از مرکز آمار دانشگاه حکیم سبزواری به تفکیک هر دانشکده (ادبیات و علوم انسانی، الهیات و معارف اسلامی، علوم پایه، فنی و مهندسی، جغرافیا و علوم محیطی، برق و کامپیوتر، تربیت بدنی و علوم ورزشی، نفت و پتروشیمی، ریاضی و کامپیوتر و معماری و شهرسازی) و به تفکیک جنسیت در مقاطع تحصیلی فوق ذکر، تعداد این جامعه ۷۲۴۸ نفر بود. با توجه به این که جامعه آماری تحقیق حاضر متشکل از ده دانشکده با رشته‌های مختلف بود که دارای یک ساخت ناهمگنی بودند، بنابراین لازم بود که از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای استفاده شود تا نسبت حجم نمونه در طبقات مختلف با نسبت حجم جامعه برابر باشد. بنابراین، جهت انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شد. جهت انتخاب نمونه، نسبت کلیه دانشکده‌ها و مقاطع مختلف تحصیلی به تفکیک جنسیت محاسبه شد و سپس ۳۷۶ پرسش‌نامه در بین دانشجویان بر اساس مبانی نسبت‌های محاسبه شده به تفکیک جنسیت توزیع گردید. آنچه در تحلیل عاملی و مدل معادلات ساختاری مهم است، تعیین حداقل حجم نمونه است (حیبی و عدن‌ور، ۱۳۹۶). کامری (۱۹۷۳)، به نقل دلاور، (۱۳۹۱) معتقد است که نمونه با حجم ۱۰۰ نفر ضعیف، ۲۰۰ نفر قابل قبول، ۳۰۰ نفر مناسب، ۵۰۰ نفر خیلی خوب و ۱۰۰۰ نفر عالی است. در پژوهش حاضر، ۳۷۶ نفر (۲۱۶ دختر و ۱۶۰ پسر) نمونه نهایی را تشکیل دادند. برای تحلیل داده‌ها از روش همبستگی پیرسون در نرم‌افزار اسپاس و همچنین روش مدل‌سازی معادلات ساختاری در نرم‌افزار آموس استفاده شد.

ابزار

۱- پرسش‌نامه تکانشگری: این پرسش‌نامه توسط بارت، استنفورد، کنت و فلتوس^۱ (۱۹۹۷) ساخته شده و همبستگی بالایی با پرسش‌نامه تکانشگری آیزنک دارد و ساختار پرسش‌های گردآوری شده از هر دو پرسش‌نامه، نشان‌دهنده ابعادی از تصمیم‌گیری شتاب‌زده و فقدان دوران‌دیشی است و بر پایه نظریه شخصیتی بارت قرار دارد که حاوی ۲۵ سوال می‌باشد و سه عامل تکانشگری شناختی (۴ ماده)، تکانشگری حرکتی (۱۲ ماده) و بی‌برنامگی (۹ ماده) را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. سوالات این پرسش‌نامه در مقیاس لیکرت تنظیم شده است که از ۱ (هرگز) تا ۴ (همیشه) است. در این پرسش‌نامه، ۱۱ سوال صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. این مقیاس یک نمره‌ی کل نیز دارد. در پژوهش اختیاری، رضوان‌فرد و مکری (۱۳۸۶)، ضریب آلفای کرونباخ برای عامل اول ۰/۸۱، برای عامل دوم ۰/۶۷ و برای عامل سوم ۰/۷۰ بوده و همچنین پایایی بازآزمایی نمرات کل ۰/۷۷ بود. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای عامل اول ۰/۷۹، برای عامل دوم ۰/۷۰ و برای عامل سوم ۰/۷۲ بود و آلفای کرونباخ نمرات کل ۰/۷۹ به دست آمد.

۲- پرسش‌نامه استعداد اعتیاد^۲: برای بررسی ریسک اعتیاد و یا سنجش اعتیاد تاکنون مقیاس‌های متعددی ساخته شده است. در این میان، مقیاس استعداد اعتیاد طراحی شده توسط وید، باچر، مک‌کنا و بن-پورات^۳ (۱۹۹۲) دارای کاربرد و شهرت زیادی است. مقیاس استعداد اعتیاد به عنوان شاخصی از عوامل شخصیتی همبسته اختلال‌های اعتیادی ساخته شده است (وید و همکاران، ۱۹۹۲). مقیاس استعداد اعتیاد، ۳۸ پرسش دارد که با گزینه‌های «درست=نمره ۱» یا «غلط=نمره ۰» ارزیابی می‌شوند. همچنین، برخی سوالات به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. نمره نهایی مقیاس جمع نمره همه سوالات است (رستمی، نصرت‌آبادی و محمدی، ۱۳۸۶). بر اساس تحقیقات انجام شده، نمره برش این مقیاس برای نشان دادن آمادگی برای اعتیاد، نمرات بیشتر از ۲۱ است. در پژوهش رستمی

1. Barratt, Stanford, Kent & Felthous
2. Addiction Potential Scale (APS)

3. Weed, Butcher, McKenna & Ben-Porath

و همکاران (۱۳۸۶) پایایی و روایی این مقیاس به ترتیب ۰/۷۸ و ۰/۶۵ به دست آمد. آلفای کرونباخ پرسش نامه در پژوهش حاضر ۰/۷۵ به دست آمد.

۳- پرسش نامه شیوه های فرزند پروری: این ابزار جهت بررسی شیوه های فرزند پروری بر اساس نظریه بامریند (۱۹۹۱) می شود. این پرسش نامه شامل ۳۰ ماده است که ۱۰ ماده آن به شیوه فرزند پروری سهل انگار، ۱۰ ماده شیوه فرزند پروری مستبد و ۱۰ ماده شیوه فرزند پروری مقتدر را مورد سنجش قرار می دهد. در این پرسش نامه، فرد نظر خود را بر حسب مقیاس ۵ درجه ای لیکرتی از صفر تا ۴ (کاملاً مخالفم = ۰ تا کاملاً موافقم = ۴) مشخص می کند و با جمع نمرات، نمره مجزا در مورد شیوه های فرزند پروری برای هر آزمودنی به دست می آید. نمره بالاتر نشان دهنده استفاده والدین از همان شیوه فرزند پروری می باشد (بامریند، ۱۹۹۱). بوری^۱ (۱۹۹۱) پایایی سه سبک مقتدر، مستبد و سهل انگار را به ترتیب ۰/۹۲، ۰/۸۵ و ۰/۸۱ محاسبه کرده است. در پژوهش حاضر، آلفای کرونباخ سبک های مقتدر، مستبد و سهل انگار به ترتیب ۰/۹۰، ۰/۸۱ و ۰/۷۹ به دست آمد.

یافته ها

بیشتر افراد نمونه، جنیست زن (۵۹ درصد) داشتند و بیشتر مجرد (۷۸/۱۶ درصد) بودند و از لحاظ محدوده سنی بین ۲۱ تا ۳۲ سال بودند (۳۷/۲۲ درصد). اکثریت دانشجویان نمونه (۷۶/۹۲ درصد) دانشجوی لیسانس بودند. ویژگی های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: آماره های توصیفی متغیرهای پژوهش

مقیاس ها	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
گرایش به مواد مخدر	۲۱/۳۷	۴/۰۸	۱۰	۳۲
سبک فرزند پروری سهل انگار (رها)	۲۷/۲۲	۴/۴۵	۱۵	۳۹
مستبد	۲۶/۷۲	۵/۹۰	۱۳	۴۲
مقتدر	۳۴/۰۹	۶/۱۸	۲۰	۴۸
تکانشگری	۲۵/۷۹	۳/۹۰	۱۸/۰۰	۳۵/۰۰
عدم برنامه ریزی	۲۷/۵۵	۴/۳۹	۱۷/۰۰	۴۰/۰۰
حرکتی	۱۰/۴۱	۱/۴۹	۶/۰۰	۱۵/۰۰
شناختی				

بر اساس جدول ۱، میانگین نمره گرایش به مواد مخدر (۲۱/۳۷) بیشتر از نقطه برش این مقیاس بود (بیشتر از نمره ۲۱).

در معادلات ساختاری یکی از مسائل مهم حجم نمونه است. به ازای هر پارامتر باید حداقل ۱۰ مورد به حجم نمونه اضافه شود. برای تحلیل مسیر، حداقل حجم نمونه ۲۰۰ نفر عنوان شده است (هومن، ۱۳۸۴). بنابراین، با توجه به حجم ۳۷۶ نفری نمونه پژوهش حاضر، کفایت نمونه تایید شد. یکی از مفروضه‌های مدل‌سازی معادلات ساختاری، نرمال بودن توزیع چندمتغیری داده‌ها است. برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها، صرفاً گزارش کردن نرمال تک متغیره کافی نیست، چرا که عدم نقض نرمال بودن تک متغیره لزوماً به معنای عدم نقض نرمال بودن چندمتغیره نیست. برای این منظور در نرم‌افزار آموس از ضریب کشیدگی چندمتغیری مardia استفاده شد. مقدار ضریب مardia برای داده‌های پژوهش برابر ۲/۱۰ به دست آمد که نشان داد مفروضه نرمال بودن چندمتغیره برقرار است. همچنین، در این پژوهش، داده‌های گمشده وجود نداشت. جهت شناسایی داده‌های پرت تک متغیره از نمودار جعبه‌ای استفاده شد. به همین منظور، در تک تک متغیرها داده‌های پرت مشخص و از داده‌ها حذف شدند. جهت شناسایی داده‌های پرت چندمتغیره از فاصله ماهالانویس^۱ استفاده شد که تعداد نمرات ۸۹ نفر از داده‌ها حذف شدند. نتایج فاصله ماهالانویس، بزرگ‌تر یا مساوی ملاک خی دو (درجه آزادی: ۱۲ و مقدار خی دو: ۲۶/۲۱۷) نبود. بنابراین، مقادیر پرت چندمتغیره در داده‌ها وجود نداشت. با توجه به این که ماتریس همبستگی، مبنای تجزیه و تحلیل مدلیابی معادلات ساختاری می‌باشد، لذا قبل از پرداختن به آزمون الگوی نظری، ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: ماتریس همبستگی متغیرهای مورد مطالعه

مقیاس‌ها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
سبک	۱	-	-	-	-	-	-
فرزندپروری	۰/۲۶**	۱	-	-	-	-	-
۳- مستبد	۰/۳۴**	۰/۲۵**	۱	-	-	-	-
۴- مقتدر	-۰/۱۲*	-۰/۳۷**	۰/۳۵**	۱	-	-	-
۵- عدم برنامه‌ریزی	۰/۱۲*	۰/۱۷*	۰/۲۳**	-۰/۴۰**	۱	-	-
تکانشگری	۰/۱۸**	۰/۱۵*	۰/۴۳**	-۰/۳۳**	۰/۳۳**	۱	-
۶- حرکتی	۰/۲۶**	۰/۱۴*	۰/۲۴**	-۰/۱۲*	۰/۱۳*	۰/۳۸**	۱
۷- شناختی							

* $p < 0.05$. ** $p < 0.01$.

نتایج جدول ۲ نشان داد که بین متغیرهای پژوهش همبستگی‌های معناداری در سطوح ۰/۰۱ و ۰/۰۵ وجود داشت. بنابراین، با توجه به همبستگی معنادار بین متغیرهای پژوهش، می‌توان از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده کرد. نتایج بررسی برازش مدل در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳: شاخص‌های برازش مدل

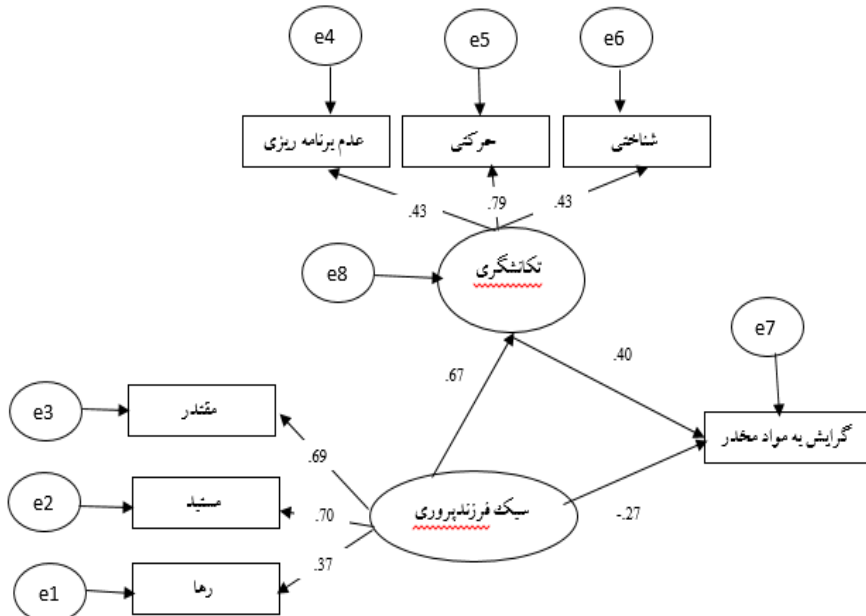
شاخص‌ها	مقدار	حد مجاز
خی دو بر درجه آزادی	۲/۱۲	کمتر از ۳
ریشه میانگین خطای برآورد ^۱	۰/۰۶	کمتر از ۰/۰۸
برازندگی تطبیقی ^۲	۰/۹۲	بالاتر از ۰/۹
نیکویی برازش ^۳	۰/۹۳	بالاتر از ۰/۹

در برنامه آموس، هر یک از شاخص‌های به دست آمده به‌تنهایی دلیل بر برازندگی یا عدم برازندگی مدل نیست و شاخص‌ها در کنار هم باید تفسیر شوند. شاخص‌های برازش مدل پژوهش حاضر در دامنه‌های مورد قبول بودند. با توجه به این مطالب، مدل تحقیق دارای برازش بود (جدول ۳). مدل پیشنهاد شده از طریق مدل‌سازی معادلات ساختاری به روش بیشینه احتمال بررسی شد و نتایج روابط مستقیم بین متغیرها در نمودار ۱ ارائه شده است. همچنین، برای بررسی بیشتر معنادار بودن اثرات مستقیم و غیر مستقیم، روش بوت

1. root mean square error approximation (RMSEA)

2. comparative fit index (CFI)
3. goodness of fit index (GFI)

استروپ با ۵۰۰۰ نمونه گیری مجدد در نرم‌افزار آموس انجام شد و نتایج آن جدول ۴ ارائه شده است.



نمودار ۱: ضرایب استاندارد مدل مفهومی آزمون شده

جدول ۴: اثرات استاندارد مستقیم و غیر مستقیم

معناداری	اثر	مسیر
۰/۰۴ *	-۰/۲۷	اثر مستقیم سبک‌های فرزندپروری بر گرایش به مواد مخدر
۰/۰۰۱***	۰/۶۷	اثر مستقیم سبک‌های فرزندپروری بر تکانشگری
۰/۰۰۳ **	۰/۴۰	اثر مستقیم تکانشگری بر گرایش به مواد مخدر
۰/۰۵ *	۰/۲۷	اثر غیر مستقیم سبک‌های فرزندپروری بر گرایش به مواد مخدر از طریق نقش میانجی تکانشگری

* $p < 0.05$. ** $p < 0.01$. *** $p < 0.001$.

با توجه به نتایج جدول ۴ و نمودار ۱، تاثیر مستقیم سبک‌های فرزندپروری بر گرایش به مواد مخدر ($p < \beta, 0.05 = -0.27$) و تکانشگری ($p < \beta, 0.01 = 0.67$) معنادار بود. تاثیر مستقیم تکانشگری بر گرایش به مواد مخدر نیز معنادار بود ($p < \beta, 0.01 = 0.40$). همچنین، تاثیر غیر مستقیم سبک‌های فرزندپروری بر گرایش به مواد مخدر از طریق تکانشگری

معنادار بود ($p < \beta$, $0.05/0 = 0.27$)، چون دامنه آماره‌های حد پایین (۰/۲۵) و حد بالا (۱/۷۸) عدد صفر را پوشش ندادند. بنابراین، با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که تکانشگری در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و گرایش به مصرف مواد مخدر در دانشجویان دارای نقش میانجی بود و این مدل ۳۵ درصد از واریانس گرایش به مواد مخدر را پیش‌بینی کرد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی تکانشگری در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و گرایش به مصرف مواد مخدر در دانشجویان بود. یافته‌های پژوهش حاکی از برازش مناسب مدل مفهومی پژوهش بود. نتایج پژوهش حاضر مبنی بر اثر مستقیم معنادار سبک فرزندپروری بر گرایش به مواد مخدر در دانشجویان، با نتایج پژوهش‌های قبلی از جمله اسلامی‌مهر (۱۳۹۴)، قانعی حقیقت (۱۳۹۸)، کوی و همکاران (۲۰۱۹)، پولارد و مک‌کینی (۲۰۱۹)، بنچایا و همکاران (۲۰۱۹)، کوپنس و سیولیمانز (۲۰۱۹)، فرمانی و کورش‌نیا (۱۳۹۷) و هانی و همکاران (۲۰۲۰) همسو است. در توجیه نتایج پژوهش حاضر مبنی بر اثر مستقیم سبک فرزندپروری بر گرایش به مواد مخدر در دانشجویان، می‌توان گفت که الگوهای رفتاری والدین می‌توانند نقش مهمی در گرایش جوانان به مواد مخدر داشته باشند، زیرا سبک رفتاری مناسب والدین عامل محافظتی قدرتمندی است. والدین با استفاده از این عامل می‌توانند با برآورده ساختن نیازهای اساسی، برقراری فضای امن در خانواده، ارائه مشاوره، قانونمندی‌های مناسب و نظارت بر زندگی فرزندان خود، آن‌ها را از بسیاری از رفتارهای مشکل‌ساز در جامعه و از جمله گرایش به سمت مواد مخدر محافظت کنند (جهانشاهی، ۱۳۹۸). سبک فرزندپروری ابزاری کنترلی است که تاثیر آن بر فرزندان به رسمیت شناخته شده است. والدین با اعمال ابزارهای کنترلی می‌توانند به طور مداوم و مستمر بر رفتار فرزندان خود مدیریت داشته باشند. اگر والدین در ابزارهای کنترلی خود از ابزار محبت و مشارکت استفاده کنند، قطعا آمادگی به مصرف مواد در فرزندان آن‌ها کاهش می‌یابد (سهیلی و همکاران، ۱۳۹۴)، چرا که این دسته از والدین با فرزندان خود رابطه خوبی برقرار کرده و به عقاید و نظرات آن‌ها احترام می‌گذارند و رفتارهای فرزندان را به صورت متعادل و آگاهانه پیگیری می‌کنند.

این دسته از والدین می‌توانند میزان گرایش به مواد مخدر را در فرزندانشان کاهش دهند. در مقابل، رفتارهای حاکی از کنترل شدید یا آزادگذاری شدید، زمینه گرایش به سمت مواد مخدر را افزایش می‌دهند (رضایی و اسمعیلی، ۱۳۹۵). والدینی هستند که در ابراز محبت خود به فرزندانشان بدون توجه به سن و انتظارات آن‌ها زیاده‌روی می‌کنند و تلاش چندانی برای شکل‌دهی شیوه‌ی رفتاری آن‌ها انجام نمی‌دهند. روش این دسته از والدین، مسئولیت‌گریزی و اجازه برای انجام هر کاری به فرزندانشان است. لذا، این کودکان در آینده‌ی نزدیک به فردی بی‌هدف و بی‌مسئولیت تبدیل شده و در مواجهه با سختی‌های پیش‌رو فاقد مهارت‌های لازم برای مقابله با آن هستند. بنابراین، برای فرار از مسئولیت‌ها و عدم کنترل آن به سمت مواد مخدر کشیده می‌شوند. در مقابل، کمبود محبت نیز عامل اصلی انحراف فرد دانسته شده است (نجفی توانا، ۱۳۷۷؛ فاطمی، رحیمی، سعادت‌ی و عباس‌زاده، ۱۳۹۵). فرزندان این خانواده‌ها احساس تنهایی، ناتوانی و بی‌ارزشی می‌کنند و در نتیجه به دنبال تایید محبت و حمایت از افرادی به غیر از خانواده هستند و دست‌نیاز به سمت دیگران دراز می‌نمایند. در اینجاست که دیگران از جمله دوستان ناباب می‌توانند عامل اصلی روی آوردن فرد به سمت انحرافات اجتماعی از جمله گرایش به سمت مواد مخدر باشند (جهانشاهی، ۱۳۹۸). بنابراین، دقت در انتخاب سبک‌های فرزندپروری می‌تواند آینده‌ی جوانان را رقم‌بزند. والدین می‌توانند با انتخاب شایسته‌ی سبک فرزندپروری مطلوب، احتمال ایجاد مشکلات جدی گرایش به مواد مخدر در سال‌های بعدی زندگی جوانان را کاهش دهند (ممتازی، ۱۳۹۴).

نتایج پژوهش حاضر همچنین نشان داد که تکانشگری در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و گرایش به مواد مخدر در دانشجویان دارای نقش میانجی بود. در این راستا، پژوهشگرانی از جمله زارع‌منگابادی و همکاران (۱۳۹۴)، عظیمی و سلیمانی (۱۳۹۹)، فراهانی و همکاران (۱۳۹۸)، کاستپه و همکاران (۲۰۱۹)، رضوانی‌فرد (۱۳۸۹)، اعظمی و همکاران (۱۳۹۳)، محمودی (۱۳۹۵) و هانی و همکاران (۲۰۲۰) نشان دادند که تکانشگری بر گرایش به مواد مخدر تاثیر معناداری دارد. در توجیه نتایج پژوهش حاضر مبنی بر نقش میانجی تکانشگری در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و گرایش به مواد مخدر در

دانشجویان می‌توان گفت که هر چه تکانشگری در فرد بیشتر باشد، میزان گرایش او به سمت مواد مخدر بیشتر است، زیرا فردی که گرفتار تکانشگری است، به عواقب انجام کارها نمی‌اندیشد و در برابر رفتارهای نامناسب نیز صبر و تحمل از خود نشان نمی‌دهد و بی‌تاب است (مالسا و کاجمارک، ۲۰۱۸). فرد دارای صفت تکانشگری، اهل ریسک کردن بدون توجه به پیامدهای آن است و در واقع بدون تأمل و تفکر، عملی را انجام می‌دهد (کلی و همکاران، ۲۰۱۸) و فقط به لذات زودگذر و دستیابی به پاداش کوتاه‌مدت فکر می‌کند (محمودی، ۱۳۹۵). بنابراین، مشخص است که چنین فردی که گرفتار تکانشگری است، مستعد گرایش به سمت مواد مخدر است، زیرا به پیامدهای کوتاه‌مدت مصرف مواد که همان لذات زودگذر است فکر می‌کند و به عواقب ناشی از آن که بسیار وخیم و طاقت‌فرسا است فکر نمی‌کند و راحت‌تر از بقیه مستعد گرایش به سمت مواد مخدر است. همچنین، برخی از مطالعات نشان دادند که ارتباط بین سبک‌های فرزندپروری منفی و گرایش به رفتارهای خودآزاری از جمله گرایش به سمت مواد مخدر، می‌تواند ناشی از تکانشگری باشد (رن و همکاران، ۲۰۲۱). تکانشگری به عنوان یک ویژگی شخصیتی، ارتباط نزدیکی با سبک‌های فرزندپروری دارد. سبک‌های فرزندپروری در شکل‌گیری رفتارها و شخصیت فرد در مراحل رشد او تأثیرگذار است. سبک‌های نامطلوب فرزندپروری ممکن است منجر به طرحواره‌های ناسازگار اولیه شوند که از اوایل کودکی شکل می‌گیرند. چنین طرحواره‌هایی ممکن است اثر سوء طولانی‌مدت داشته باشند که تا بزرگسالی ادامه دارند و موجب اختلالات عاطفی و شخصیتی در فرد می‌شوند (شات، ماد و مک‌لچلان، ۲۰۱۹). شواهد، میزان بالایی از تکانشگری در میان جوانانی را گزارش کرده‌اند که اجبار والدین را تجربه کرده‌اند (روت، اوترپل و وایلد، ۲۰۱۷). والدینی که الگوی رفتاری کنترل شدید یا آزاد‌گذاری شدید دارند، می‌توانند زمینه را برای عدم پیشرفت در کنترل تکانشگری در فرزندان فراهم کنند. بنابراین، یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از این است که علاوه بر توجه به تأثیر مستقیم سبک‌های

فرزندپروری بر گرایش به سمت مواد مخدر، باید عامل تکانشگری نیز توسط مراکز ذی‌ربط جهت طراحی مداخلات، مورد توجه قرار گیرد.

از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به این نکته اشاره کرد که از ابزار پرسش‌نامه خود گزارش‌دهی به تنهایی استفاده شده است که احتمال سوگیری پاسخ در این ابزارها وجود دارد. همچنین، به دلیل تعداد زیاد سوالات پرسش‌نامه‌ها، آزمودنی‌ها ممکن است دچار خستگی شده باشند و بعضاً در پاسخ‌دهی به سوالات کم توجه بوده باشد. همچنین، از آنجایی که پژوهش حاضر محدود به دانشجویان بود، باید در تعمیم نتایج آن به سایر اقشار جامعه احتیاط را رعایت کرد. پیشنهاد می‌شود پژوهشگران آتی روابط مورد بحث در مدل پژوهش حاضر را در جامعه‌ی آماری متفاوتی اجرا و با نتایج پژوهش حاضر مقایسه کنند. همچنین، متغیرهای جمعیت‌شناختی از جمله وضعیت تحصیلی و شرایط اقتصادی دانشجویان را نیز وارد مدل‌یابی گرایش به مواد مخدر کنند. صرف‌نظر از این محدودیت‌ها، پژوهش حاضر با در نظر گرفتن برخی عوامل مهم موثر بر گرایش به سمت مواد مخدر، از جمله تحقیقاتی بود که می‌تواند در مجموعه آثار مربوط به گرایش به سمت مواد مخدر نقش مهمی را ایفا کند. نتایج تحقیق حاضر می‌تواند نوعی آگاهی بخشی برای والدین و شفاف‌سازی در مورد یکی از پیامدهای مهم انتخاب سبک فرزندپروری باشد. پیشنهاد پژوهش حاضر بر این است که والدین در انتخاب نوع سبک فرزندپروری خود تفکر و انتخاب بهینه‌ای داشته باشند تا جامعه به سمت کاهش گرایش به سمت مواد مخدر خصوصاً در جوانان کشیده شود. همچنین، پژوهش حاضر با پررنگ‌سازی مخرب بودن اثر تکانشگری بر گرایش جوانان به سمت مواد مخدر، توجه پژوهشگران، درمانگران، مراکز مشاوره و ... را به این مولفه خواستار است.

منابع

اختیاری، حامد؛ رضوان‌فرد، مهرناز و مکرری، آذرخش (۱۳۸۶). تکانشگری و ابزارهای گوناگون ارزیابی آن: بازبینی دیدگاه‌ها و بررسی‌های انجام شده. *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۱۴(۳)، ۲۴۷-۲۵۷.

اسلامی مهر، سمانه (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری و سبک‌های مقابله‌ای با گرایش به مصرف مواد در معتادین و غیر معتادین شهرستان گنبد کاووس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.

اعظمی، یوسف؛ سهرابی، فرامرز، برجعلی، احمد و چوپان، حامد (۱۳۹۳). اثربخشی آموزش تنظیم هیجان مبتنی بر مدل فرایند گراس بر کاهش تکانشگری در افراد وابسته به مواد. فصلنامه اعتیادپژوهی، ۸(۳۰)، ۱۴۲-۱۲۸.

فراهانی، محمدنقی؛ امین اسماعیلی، معصومه و باحشمت جویباری، شهاب (۱۳۹۸). نقش واسطه‌ای خودکارآمدی در رابطه بین تکانشگری و مقابله اجتنابی با عود مصرف مواد مخدر. فصلنامه اعتیادپژوهی، ۱۳(۵۱)، ۱۶۶-۱۴۴.

بهادری خسروشاهی، جعفر و خانجانی، زینب (۱۳۹۲). ارتباط راهبردهای مقابله‌ای و خودکارآمدی با گرایش به سوء مصرف مواد در دانشجویان. دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۱۴(۵۳)، ۹۰-۸۰.

پورکرد، مهدی؛ ابوالقاسمی، عباس؛ نریمانی، محمد و رضایی جمالویی، حسن (۱۳۹۲). بررسی اثر مستقیم و غیر مستقیم خودکارآمدی، تکانشوری، فعال‌سازی-بازداری رفتاری و مهارت‌های اجتماعی بر سوء مصرف مواد در دانش‌آموزان. فصلنامه اعتیادپژوهی، ۷(۲۶)، ۲۷-۱۲.

نجفی توانا، علی (۱۳۷۷). جرم‌شناسی. تهران: انتشارات خیام.

جهانشاهی، مهنوش (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و گرایش به مواد مخدر نوجوانان ۱۴ تا ۱۷ ساله در شهر آشنخانه. فصلنامه دانش انتظامی خراسان شمالی، ۷(۲۵)، ۱۳۱-۱۱۱.

حاجی علیزاده، کبری؛ بحرینیان، سید عبدالمجید؛ نظیری، قاسم و مدرس غروی، مرتضی (۱۳۸۸). مقایسه نگرش‌های ناکارآمد در افراد مبتلا به سوء مصرف مواد و افراد عادی و پیامدهای روان-شناختی آن. فصلنامه اعتیادپژوهی، ۲(۷)، ۷۸-۶۷.

حیبی، آرش و عدنور، مریم (۱۳۹۶). مدل‌یابی معادلات ساختاری و تحلیل عاملی با LISREL. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

حسینیان سراج‌لوی، فرج (۱۳۸۹). رابطه کمال‌گرایی، تاب‌آوری و تکانشگری در معتادین به مواد مخدر شهر تهران جهت تبیین مدل ولع مصرف مواد در آن‌ها. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده، دانشگاه علامه طباطبائی.

دره کردی، علی (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین تکانشگری، توانایی حل مساله اجتماعی، وابستگی به مواد و پرخاشگری به منظور ارائه مدل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده، دانشگاه علامه طباطبایی.

دلاور، علی (۱۳۹۱). مقیاس‌های سنجش نگرش. تهران: انتشارات روان. دوستیان، یونس؛ بهمنی، بهمن؛ اعظمی، یوسف و گودینی، علی اکبر (۱۳۹۲). بررسی رابطه پرخاشگری و تکانشگری با آمادگی به اعتیاد در دانشجویان پسر. مجله توان‌بخشی، ۱۴(۲)، ۱۱۰-۱۰۲.

رستمی، رضا؛ نصرت‌آبادی، مسعود و محمدی، فاطمه (۱۳۸۶). بررسی مقدماتی دقت تشخیصی مقیاس‌های MAC-R AAS و APS. پژوهش‌های روان‌شناختی، ۱۰(۲ و ۱)، ۲۸-۱۱. رضایی، سمیه و اسمعیلی، علی (۱۳۹۵). مقایسه‌ی سبک‌های فرزندپروری طرحواره‌ای در افراد وابسته به سوء مصرف مواد و افراد غیر مصرف‌کننده. مجله اصول بهداشت روانی، ۱۸(ویژه‌نامه)، ۵۹۸-۵۹۱.

رضوانی‌فر، علیرضا (۱۳۸۹). بررسی و مقایسه تکانشگری، خطرپذیری و احساس جوئی در افراد مستعد به سوء مصرف مواد و عادی شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده، دانشگاه علامه طباطبایی.

زارع منگابادی، حمیده؛ خسروی، صدرالله؛ جعفری ندوشن، علی و ثیابی، مهناز (۱۳۹۴). اثربخشی مصاحبه انگیزشی گروهی بر کاهش تکانشگری بر شدت اعتیاد در بیماران تحت درمان متادون. اولین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی و علوم تربیتی شیراز.

زاهد، عادل (۱۳۸۸). تحلیل رابطه‌ی مهارت‌های هوشیاری فراگیر، فراشناخت و تنظیم هیجان با رفتارهای بین فردی سوء مصرف‌کنندگان از مواد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده، دانشگاه محقق اردبیلی.

سهیلی، مهین؛ دهشیری، غلامرضا و موسوی، سیده فاطمه (۱۳۹۴). گرایش به سوء مصرف مواد مخدر: بررسی مولفه‌های پیش‌بین سبک‌های فرزندپروری، استرس و تیپ شخصیت D. فصلنامه اعتیاد‌پژوهی، ۹(۳۳)، ۹۱-۱۰۶.

عظیمی، حکیم و سلیمانی، اسماعیل (۱۳۹۹). مقایسه پریشانی روان‌شناختی، تکانشگری و تیپ شخصیتی D بین دانشجویان دارای نگرش مثبت و منفی به اعتیاد. فصلنامه اعتیاد‌پژوهی، ۱۴(۵۷)، ۱۷۰-۱۵۱.

غدیری صورمان آبادی، فرهاد؛ عبدالمحمدی، کریم و یوسف زاده، باقر (۱۳۹۶). مروری بر عوامل روان شناختی مرتبط با گرایش به سوء مصرف مواد مخدر در ایران. *فصلنامه رویش روان شناسی*، ۶(۳)، ۲۵۴-۲۳۹.

فاطمی، داود؛ رحیمی، عارف؛ سعادت، موسی و عباس زاده، محمد (۱۳۹۵). بررسی نقش خانواده در بزهکاری فرزندان (مورد مطالعه: نوجوانان پسر شهر زنجان). *پژوهش های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، ۵(۳)، ۵۰-۳۵.

فرمانی، هاجر و کورش نیا، مریم (۱۳۹۷). پیش بینی روان شناختی بر اساس خودکارآمدی عمومی و حمایت اجتماعی. اولین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان شناسی ایران، تهران. قانعی حقیقت، زینب (۱۳۹۸). نقش واسطه ای خودکارآمدی در رابطه ی بین جو عاطفی خانواده و گرایش به اعتیاد دانش آموزان مقطع متوسطه. پایان نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده، دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت.

قمری گیوی، حسین و مجرد، آرزو (۱۳۹۵). پیش بینی گرایش به اعتیاد با استفاده از سبک دلبستگی و تکانشگری. *مجله سلامت و مراقبت*، ۱۸(۱)، ۲۷-۱۷.

محمدی، غلامرضا (۱۳۹۵). نقش دین داری، سبک های فرزند پروری و ناگویی هیجانی در آمادگی به اعتیاد نوجوانان. *مجله طب انتظامی*، ۵(۳)، ۲۱۲-۲۰۵.

محمودی، مری (۱۳۹۵). رابطه تاییدجویی، تکانشگری و اضطراب نوجوانان با شیوه های فرزند پروری والدین. پایان نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده، دانشگاه الزهرا.

ممتازی، سعید (۱۳۹۴). خانواده و اعتیاد (چاپ سوم). زنجان: انتشارات مهدیس.

وجودی، بابک؛ عبدل پور، قاسم؛ بخشی پور رودسری، عباس و عطارد، نسترن (۱۳۹۳). پیش بینی آمادگی به اعتیاد بر اساس سبک های هویت، فرزند پروری و راهبردهای مقابله ای در دانش آموزان دوره متوسطه. *مجله طب انتظامی*، ۳(۲)، ۱۳۴-۱۲۳.

هواسی، ناهید (۱۳۸۰). بررسی و مقایسه شیوه های فرزند پروری در خانواده هایی که دارای نوجوانان معتاد هستند با خانواده هایی که دارای نوجوانان عادی هستند. پایان نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده، دانشگاه الزهرا.

هومن، حیدرعلی (۱۳۸۴). مدل یابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار لیزرل. تهران: انتشارات سمت.

References

- Barratt, E. S., Stanford, M. S., Kent, T. A., & Alan, F. (1997). Neuropsychological and cognitive psychophysiological substrates of impulsive aggression. *Biological Psychiatry*, 41(10), 1045-1061.
- Baumrind, D. (1991). Effective parenting during the early adolescent transition. *Family Transitions*, 2(1), 111-163.
- Benchaya, M. C., Moreira, T. D. C., Constant, H. M. R. M., Pereira, N. M., Freese, L., Ferigolo, M., & Barros, H. M. T. (2019). Role of parenting styles in adolescent substance use cessation: Results from a Brazilian prospective study. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 16(18), 3432.
- Buri, J. R. (1991). Parental authority questionnaire. *Journal of Personality Assessment*, 57(1), 110-119.
- Clay, J. M., Adams, C., Archer, P., English, M., Hyde, A., Stafford, L. D., & Parker, M. O. (2018). Psychosocial stress increases craving for alcohol in social drinkers: effects of risk-taking. *Drug and Alcohol Dependence*, 185, 192-197.
- Cobb-Clark, D. A., Salamanca, N., & Zhu, A. (2019). Parenting style as an investment in human development. *Journal of Population Economics*, 32(4), 1315-1352.
- Cosenza, M., Ciccarelli, M., & Nigro, G. (2019). The steamy mirror of adolescent gamblers: Mentalization, impulsivity, and time horizon. *Addictive Behaviors*, 89, 156-162.
- Cui, M., Allen, J. W., Fincham, F. D., May, R. W., & Love, H. (2019). Helicopter parenting, self-regulatory processes, and alcohol use among female college students. *Journal of Adult Development*, 26(2), 97-104.
- Haeny, A. M., Gueorguieva, R., Morean, M. E., Krishnan-Sarin, S., DeMartini, K. S., Pearson, G. D., ... & O'Malley, S. S. (2020). The association of impulsivity and family history of alcohol use disorder on alcohol use and consequences. *Alcoholism: Clinical and Experimental Research*, 44(1), 159-167.
- Jiménez-Barbero, J. A., Ruiz-Hernández, J. A., Llor-Esteban, B., & Waschler, K. (2016). Influence of attitudes, impulsivity, and parental styles in adolescents' externalizing behavior. *Journal of Health Psychology*, 21(1), 122-131.
- Kuppens, S., & Ceulemans, E. (2019). Parenting styles: A closer look at a well-known concept. *Journal of Child and Family Studies*, 28(1), 168-181.
- Kustepe, A., Kalenderoglu, A., Celik, M., Bozkurt, E. K., Orum, M. H., & Uguz, S. (2019). Evaluation of impulsivity and complex attention functions of subjects with substance use: Sample from Adiyaman province. *Medicine Science*, 8(1), 67-71.

- Malesza, M., & Kaczmarek, M. C. (2018). Grandiose narcissism versus vulnerable narcissism and impulsivity. *Personality and Individual Differences*, 126, 61-65.
- Moeller, F. G., Barratt, E. S., Dougherty, D. M., Schmitz, J. M., & Swann, A. C. (2001). Psychiatric aspects of impulsivity. *American Journal of Psychiatry*, 158(11), 1783-1793.
- Patock-Peckham, J. A., King, K. M., Morgan-Lopez, A. A., Ulloa, E. C., & Filson Moses, J. M. (2011). Gender-specific mediational links between parenting styles, parental monitoring, impulsiveness, drinking control, and alcohol-related problems. *Journal of studies on Alcohol and Drugs*, 72(2), 247-258.
- Pollard, M. W., & McKinney, C. (2019). Parental physical force and alcohol use in emerging adults: Mediation by psychological problems. *Journal of Interpersonal Violence*, 34(10), 2087-2109.
- Ran, H., Fang, D., Donald, A. R., Wang, R., Che, Y., He, X., ... & Xiao, Y. (2021). Impulsivity mediates the association between parenting styles and self-harm in Chinese adolescents. *BMC Public Health*, 21, 332. <https://doi.org/10.1186/s12889-021-10386-8>
- Rueth, J. E., Otterpohl, N., & Wild, E. (2017). Influence of parenting behavior on psychosocial adjustment in early adolescence: Mediated by anger regulation and moderated by gender. *Social Development*, 26(1), 40-58.
- Sahithya, B. R., Manohari, S. M., & Vijaya, R. (2019). Parenting styles and its impact on children—a cross cultural review with a focus on India. *Mental Health, Religion & Culture*, 22(4), 357-383.
- Sedghi, M., Heydardoust, S., & Hashtroudi, S. V. (2019). Study of the Metacognition Technique in Reducing the Desire for Opioid Dependence. *BRAIN. Broad Research in Artificial Intelligence and Neuroscience*, 10(3), 89-95.
- Sheykhnezhad, F., & Seyedfatemi, N. (2019). Effect of group education on self-efficacy and craving tendencies in drug abusers in 5th Azar Drug Abuse Treatment Center of Gorgan. *Cogent Psychology*, 6(1), 1587818.
- Shute, R., Maud, M., & McLachlan, A. (2019). The relationship of recalled adverse parenting styles with maladaptive schemas, trait anger, and symptoms of depression and anxiety. *Journal of Affective Disorders*, 259, 337-348.
- Vergés, A., Littlefield, A. K., Arriaza, T., & Alvarado, M. E. (2019). Impulsivity facets and substance use initiation: A comparison of two models of impulsivity. *Addictive Behaviors*, 88, 61-66.
- Weed, N. C., Butcher, J. N., McKenna, T., & Ben-Porath, Y. S. (1992). New measures for assessing alcohol and drug abuse with the MMPI-2: The APS and AAS. *Journal of Personality Assessment*, 58(2), 389-404.

